



دانشکده ی ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی
گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی
پایان نامه جهت اخذ درجه ی کارشناسی ارشد

عنوان:

موسیقی شعر حسین منزوی

استاد راهنما:

خانم دکتر مه دخت پورخالقی چترودی

استاد مشاور:

آقای دکتر سید مهدی زرقانی

نگارش:

آمنه تاک

تابستان ۱۳۸۸

تعهد نامه

اینجانب آمنه تاک دانشجوی دوره ی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات دکتر شریعتی دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده پایان نامه موسیقی شعر حسین منزوی تحت راهنمایی سرکار خانم دکتر مه دخت پورخالقی چترودی، متعهد می شوم:

- * تحقیقات در این پایان نامه توسط اینجانب انجام شده است و از صحت و اصالت برخوردار است.
- * در استفاده از نتایج پژوهشهای محققان دیگر به مرجع مورد استفاده استناد شده است.
- * مطالب مندرج در پایان نامه تا کنون توسط خود یا فرد دیگری برای دریافت هیچ نوع مدرک با امتیازی در هیچ جا ارائه نشده است.
- * کلیه حقوق معنوی این اثر متعلق به دانشگاه فردوسی مشهد می باشد و مقالات مستخرج با نام « دانشگاه فردوسی مشهد» و یا « Ferdowsi University of Mashhad » به چاپ خواهد رسید.
- * حقوق معنوی تمام افرادی که در به دست آمدن نتایج اصلی پایان نامه تاثیرگذار بوده اند در مقالات مستخرج از رساله رعایت شده است.
- * در کلیه مراحل انجام این پایان نامه، در مواردی که از موجود زنده (با بافتهای آنها) استفاده شده است ضوابط و اصول اخلاقی رعایت شده است.
- * در کلیه مراحل انجام این پایان نامه، در مواردی که به حوزه اطلاعات شخصی افراد دسترسی یافته یا استفاده شده است، اصل رازداری، ضوابط و اصول اخلاق انسانی رعایت شده است.

تاریخ ۱۳۸۸/۶/۱۸

امضای دانشجو

مالکیت نتایج و حق نشر

* کلیه ی حقوق معنوی این اثر و محصولات آن (مقالات مستخرج، کتاب، برنامه های رایانه ای، نرم افزارها و تجهیزات ساخته شده) متعلق به دانشگاه فردوسی مشهد می باشد. این مطلب باید به نحو مقتضی در تولیدات علمی مربوطه ذکر شود.

* استفاده از اطلاعات و نتایج موجود در پایان نامه بدون ذکر مرجع مجاز نمی باشد.

* متن این صفحه نیز باید در ابتدای نسخه های تکثیر شده وجود داشته باشد.

تشکر و قدردانی

سپاس و ستایش پروردگاری را که توفیق تحصیل در محضر استادان ارجمند دانشکده ی ادبیات را به بنده عنایت فرمود .

جا دارد امروز مقام صاحبان قلم را پاس بدارم. چه معلم دیروزم که قلم در دستم نهاد و چه راهنما و مشاور توانای امروزم ، سرکار خانم دکتر مه دخت پورخالقی چترودی که دلسوزانه با صبر و بردباری و دقتی وسواس آمیز ، زحمت اصلی هدایت و راهنمایی بنده را برعهده داشتند و جناب استاد گرانمایه دکتر سید مهدی زرقانی که در این راه از هیچ گونه ارشاد و راهنمایی دریغ ننمودند .

آموختم که ترانه ی عشق را با نوای موسیقی درونی خویش هماهنگ ساخته در قالب شعر طویل زندگی با وجود تمامی نغمه های زیر و بمش آهنگین بسرایم و از دیدگاه زیبا شناسی به زحمات همسر مهربانم جناب آقای عبدالرضا شهیدی بنگرم که حتی سازهای مخالف و گوش خراش این رساله را نیز دلنواز شنید. دست پر مهر مادرم را ببوسم و از همنوایی و همصدایی فرزندان عزیزم محمد و زهرا در نواختن این موسیقی، قدر دانی کنم.

در پایان ضمن قدردانی فراوان از زحمات گروه زبان و ادبیات فارسی ، از راهنمایی های دلسوزانه واز محضر داور محترم، سپاسگزارم.

مدیریت تمصیلات تکمیلی

نامه به زبان فارسی

فرم چکیده پایان -

نام خانوادگی دانشجو: تاک

نام: آمنه

استاد مشاور: دکتر سید مهدی زرقانی

استاد راهنما: دکتر مه دخت پورخالقی چترودی

گرایش:

دانشکده ادبیات و علوم انسانی رشته‌ی: زبان و ادبیات فارسی

چکیده: (حداکثر ده سطر تایپی)

این رساله، به بررسی جلوه های چند گانه ی موسیقی شعر، در اشعار حسین منزوی می پردازد. به این منظور، نخست در فصل اول به کلیاتی چون تعاریف شعر، وزن و موسیقی پرداخته آرای صاحب نظران ذکر می شود. فصل دوم با عنوان آشنایی با شاعر، به معرفی شاعر و آثار او پرداخته و در مورد فکر و زبان شاعر که در موسیقی شعرش بی تأثیر نیست، توضیحاتی ارائه داده ایم. فصل سوم که محور اصلی این رساله است، تحت عنوان کلی موسیقی شعر منزوی به ترتیب در سه گفتار به بررسی موسیقی بیرونی، کناری و میانی شعر منزوی می پردازیم. در گفتار اول، با توجه به این که منزوی شاعری نوآور در وزن و موسیقی بیرونی شعر است، با ذکر نمونه، میزان بهره وری شاعر از کیفیت و کمیت هجاها، ریخت شناسی و ارتباط آن با موسیقی بیرونی، خروج از وزن و اختلالات وزنی مورد بررسی قرار گرفته است. گفتار دوم به موسیقی کناری یعنی قافیه و ردیف و اهمیت آن در ایجاد موسیقی و جلوه های بدیعی و زیبایی های آوایی پرداخته ایم. در گفتار سوم با عنوان موسیقی میانی شعر منزوی به جلوه های موسیقی درونی و معنوی در کنار هم پرداخته شده است. در پایان نیز با در نظر گرفتن آنچه گفته شده، به یک نتیجه گیری کلی در باره ی موسیقی شعر منزوی می رسد.

دیباچه:

برای آن که بتوانیم به مقصود سراینده ی کلام بیشتر نزدیک شده، به درک و تحلیل جامع تری از شعر او دست یابیم، ناگزیر از دانستن برخی مقدمات و در نظر گرفتن پاره ای ملاحظات نیستیم.

یکی از راههای رسیدن به این مهم، شناخت جنبه های مختلف موسیقی شعر، دریافت آهنگ کلام و اهمیت آن در القای مفهوم و آشکار ساختن عواطف و احساسات و روحیات و آشنایی با جهان پر رمز و راز و موسیقی از جان بر آمده شاعر است. آگاهی به قواعد عروض و قافیه، اشراف بر صنایع بدیعی لفظی و معنوی، گذشته از آن که برای کشف دقایق زیبا شناسی و موسیقی شعر ضروری است، تا حد زیادی برای دریافت و درک پیام شعر به خواننده، کمک می کند.

هدف این پژوهش نیز شناخت موسیقی شعر حسین منزوی و نقش آن در موفقیت غزل اوست و می کوشد تا به کمک استخراج و طبقه بندی اوزان، همچنین تحلیل و بررسی ابزار و امکانات بدیعی و آوایی به گوشه ای از جنبه های مختلف شعر او دست یابد.

حسین منزوی شاعر غزل پرداز معاصر، تقریباً از جمله شاعران توانا و گمنامی است که تا این زمان کمتر مورد توجه قرار گرفته، چه بسا خود زمان، معرف شعرش در آینده باشد. او معتقد است: «شعر اگر قادر باشد خود از خود دفاع خواهد کرد و خواهد ماند و گرنه از گردونه بیرون خواهد افتاد. بگذارید از شعر های این دفتر نیز روزگار دفاع کند» (منزوی، ۲:). این پژوهش اولین قدم، برای شناخت موسیقی شعر و همچنین مقدمه ای برای پژوهش های بعدی در زمینه ی شناخت جنبه های ادبی و فکری شاعر است. در میان شاعران معاصر کمتر از او نامی برده شده است، این در حالی است که اگر او در زمینه ی نوآوری و ابداع اوزان جدید پیشگام تر از سیمین بهبهانی و منوچهر نیستانی، نباشد حداقل با آنان همگام است.

همان طور که گفته شد، در مورد این شاعر، هیچ گونه تحقیق و پژوهشی انجام نشده و حتی کتاب ها و دفتر های شعر او، پراکنده و نا مرتب بوده و اغلب یک بار چاپ و منتشر شده است. در سیر مراحل تحقیق، ابتدا کلیه ی آثار و دفاتر پراکنده ی شاعر جمع آوری و سپس فیش برداری شده است. گردآوری مجموعه شعر منزوی کاری بس دشوار بوده به طوری که گاهی حتی برای دستیابی به دفاتر شعر او، به آرشیو انتشاراتی که ۳۰ سال پیش کتاب را منتشر کرده، رجوع شده است. آشفته گی اشعار بدان جا می رسد که گاهی یک غزل را با دو نام می بینیم، بعضی غزل ها شماره گذاری و بعضی نام گذاری شده اند.

خوشبختانه مجموعه شعری تقریباً کامل، شامل همه ی دفتر های شعر او به تازگی به چاپ رسیده است.

در ادامه ی راه در قسمت های تخصصی کار مانند عروض و قافیه علاوه بر مراجعه به منابع مرتبط فنی، اصیل و معتبر، به منابع عربی و مقالات ترجمه شده ی لاتین، نیز استناد شده است. علاوه بر این، در انجام این طرح به هر گونه منبع شناختی از جمله: ارتباط تلفنی با ناشران و دوستان شاعر، ارسال ایمیل و جدید ترین اخبار سایت ها و وبلاگ ها متوسل شده ایم.

از آن جا که کسی نمی تواند به مفاهیم ذهنی و نگرش شاعر به طور کامل دست یابد، روش کار در بخش موسیقی میانی بیشتر، خواننده محوری و براساس تحلیل و بررسی ذوقی اشعار است و به بیشتر به دریافت شخصی بنده از حال و هوای موسیقی شعر باز می گردد. چه بسا گاهی ممکن است شاعر قصد و غرض خاصی از بیان تناسب آوایی نداشته، به طور غیر عمد آن ها را به کار برده است.

نکته ی دیگری که در مورد اشعار منزوی جا دارد در مقدمه بیاورم، انتقادی از ویراستار متن اغلب کتاب های اوست. می دانیم که نشانه گذاری و علامت گذاری های نابجا خواننده را به سوی دریافت و درک خاصی از متن می کشاند. بهتر است مصححان و ویراستاران ضمن توجه به این نکته علامت و نشانه ی نگارشی خاصی - به جز آن چه شاعر به آن تأکید دارد- در متن شعر قرار ندهند. در اغلب کتاب هایی که چاپ مجدد این دو گانگی دیده می شود. نکته ی دیگر توضیحات نامناسب بعضی از اشعار در پاورقی کتاب *همچنان از عشق است*. مصحح و ویراستار کتاب، علاوه بر شرح گزینشی ابیات، بعضی از کلمات را مطابق دریافت خود معنی کرده اند که باعث هدایت ذهن خواننده به درک خاصی از شعر می شود.

قابل ذکر است در بحث هایی که اختلاف نظر فراوانی وجود دارد از قبیل "های بیان حرکت" و شعر سپید، ضمن استناد به نظریه های موافق و مخالف، بیشتر جنبه های آوایی آن مورد توجه است. در ضمن اصول ارجاع متن بر اساس کتاب *آیین نگارش دکتر محمود فتوحی* ویرایش و تنظیم شده است.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۱	چکیده
۱۲	دیباچه
۱۳	فصل اوّل کلیّات
۱۴	۱- شعر چیست؟
۱۶	۲- وزن چیست؟
۱۸	۳- موسیقی شعر
۲۱	فصل دوم آشنایی با حسین منزوی
۲۲	۱- شاعری به نام عشق
۲۴	۲- آثار حسین منزوی
۳۴	۳- اندیشه ها و زبان شعر منزوی
۳۹	فصل سوم موسیقی شعر منزوی
۴۰	گفتار اوّل: موسیقی بیرونی
۴۱	۱-۱- اوزان پسندیده و ناپسند
۴۲	جدول اوزان بلند، کوتاه، متوسط
۴۶	نمودار اوزان در شعر منزوی
۴۶	۱-۲- بهره وری از کیفیت و کمیت هجاها
۴۹	۱-۳- مصراع شکنی
۵۰	۱-۳-۱- خروج از حالت نثر
۵۰	۱-۳-۲- ایجاد بستر تفکر

- ۵۱.....۳-۳-۱- ایجاد زمینه ی تأکید.....
- ۵۱.....۴-۳-۱- ایجاد انتظار.....
- ۵۲.....۵-۳-۱- ایجاد بافت منطقی.....
- ۵۳.....۶-۳-۱- خوانش دو بعدی.....
- ۵۴.....۷-۳-۱- شکستگی های دوبعدی.....
- ۵۴.....۴- بهره گیری از اوزان متعارف و نامتعارف.....
- ۵۵.....جدول شماره ی ۲ اوزان.....
- ۵۸.....۵-۱- نوآوری در وزن.....
- ۵۹.....جدول شماره ی ۳ اوزان جدید.....
- ۶۳.....۶-۱- اختلالات وزنی.....
- ۶۳.....۱-۶-۱- خروج از وزن.....
- ۶۴.....۲-۶-۱- وزن شکنی.....
- ۶۶.....۳-۶-۱- عدم تساوی هجایی.....
- ۶۷.....۴-۶-۱- اشعار ناهموار.....
- ۶۸.....۷-۱- وزن و محتوا.....
- ۶۹.....۱-۷-۱- بحر مضارع.....
- ۷۲.....۲-۷-۱- بحر مجتث.....
- ۷۳.....۳-۷-۱- بحر رمل.....
- ۷۳.....۴-۷-۱- بحر هزج.....
- ۷۴.....۵-۷-۱- بحر رجز.....
- ۷۵.....۶-۷-۱- بحر خفیف.....
- ۷۵.....۷-۷-۱- بحر منسرح.....
- ۷۶.....۸-۷-۱- بحر متقارب.....
- ۷۶.....۳-۹-۷-۱- بحر مشاکل.....
- ۷۶.....نمودار بسامد اوزان.....
- ۷۷.....۸-۱- ارتباط موسیقی با شکل بیرونی شعر سپید و نو.....
- ۷۸.....۱-۸-۱- موسیقی دیداری.....
- ۷۸.....۱-۸-۱- تدویر.....
- ۷۹.....۲-۱-۸-۱- شعر کانکریت.....

- ۸۱.....۱-۸-۱-۳-نقش علایم
- ۸۳.....۱-۸-۱-۴-نظم شکنی
- ۸۵.....۱-۸-۱-۵-فراهنجاری نوشتاری
- ۸۵.....۱-۸-۲-موسیقی شنیداری
- ۸۶.....۱-۸-۲-۱-صدا و سکوت
- ۸۶.....۱-۸-۲-۲-صدای محیط
- ۸۷.....۱-۸-۲-۳-نقطه ی اوج
- ۸۹.....گفتار دوم: موسیقی کناری
- ۹۰.....۱-۲-قافیه
- ۹۲.....۲-۲-بهره وری از کمیّت واج ها
- ۹۳.....نمودارواج های همسان قافیه
- ۱۰۷.....جدول حروف همسان قافیه
- ۱۰۸.....نمودار بررسی حروف قافیه
- ۱۰۹.....۳-۲-بهره وری از کیفیّت هجاها
- ۱۱۴.....نمودار هجای قافیه
- ۱۱۵.....۲-۴-قافیه ی بدیعی
- ۱۱۵.....۲-۴-۱-اعنات
- ۱۱۶.....۲-۴-۲-ارصاد
- ۱۱۷.....۲-۴-۳-تضاد
- ۱۱۷.....۲-۴-۴-تلمیح
- ۱۱۸.....۲-۴-۵-مراعات نظیر
- ۱۱۸.....۲-۵-قافیه ی متجانس
- ۱۲۳.....۲-۶-قافیه ی میانی
- ۱۲۴.....۲-۷-قافیه ی معموله
- ۱۲۵.....۲-۸-ذوقافیتین
- ۱۲۶.....۲-۹-ردّالقافیه
- ۱۲۷.....۲-۱۰-تکرار قافیه
- ۱۲۹.....۲-۱۱-قافیه ی خطّی

۱۳۱ ۱۲-۲-قافیه ی معنوی
۱۳۳ ۱۳-۲-قافیه ی معیوب
۱۳۳ ۱۴-۲-ردیف
۱۳۴ نمودار بسامد ردیف
۱۳۵ نمودار درصد ردیف فعلی
۱۳۷ نمودار درصد ردیف
۱۴۴ جدول انواع ردیف
۱۴۶ ۱۵-۲-تناسب ردیف با قافیه
۱۴۸ ۱۶-۲-حاجب

۱۵۰ گفتار سوّم : موسیقی میانی
۱۵۲ ۱-۳-تکرار
۱۵۳ ۱-۱-۳-تکرار منظم
۱۵۳ ۱-۱-۳-تکرار منظم حرف
۱۵۴ ۱-۱-۳-ردّالصدر الی العجز
۱۵۵ ۱-۱-۳-ردّالعجز الی الصدر
۱۵۶ ۱-۱-۳-ردّالمطلع
۱۵۷ ۱-۱-۳-تشابه الاطراف
۱۵۸ ۱-۱-۳-عکس
۱۵۹ ۱-۲-۳-تکرار نا منظم
۱۶۰ ۱-۲-۳-واج آرایی
۱۶۲ ۱-۲-۳-التزام
۱۶۵ ۱-۲-۳-جناس تام
۱۶۶ ۱-۲-۳-تکرار واژه
۱۶۸ ۲-۳-تقارن
۱۶۸ ۱-۲-۳-سجع
۱۷۰ ۲-۲-۳-ترصیع
۱۷۱ ۳-۲-۳-توازن
۱۷۳ ۴-۲-۳-تشطیر

۱۷۳.....	۳-۲-۵-تسمیط
۱۷۴.....	۳-۲-۶-مجاورت و همنشینی واژه ها
۱۷۸.....	۳-۳-تجانس
۱۷۹.....	۳-۳-۱-جناس خط
۱۸۰.....	۳-۳-۲-جناس زاید
۱۸۱.....	۳-۳-۳-جناس مضارع و لاحق
۱۸۲.....	۳-۳-۴-جناس مطرف
۱۸۳.....	۳-۳-۵-جناس اشتقاق
۱۸۴.....	۳-۳-۶-جناس قلب
۱۸۴.....	۳-۳-۷-جناس مزدوج
۱۸۶.....	نتیجه گیری

فصل اوّل

کلیات

۱- شعر چیست؟

از دیر باز سخن شناسان سعی داشته اند تعریف جامع و کاملی از شعر ارائه دهند. به اختصار به بعضی از این تعاریف اشاره می کنیم.

«افلاطون قدیمی ترین کسی است که ماده ی شعر را تقلید دانسته و شعر را تقلید طبیعت می داند» (نصیر الدین طوسی، ۱۳۶۹: ۶۵).

افلاطون در رساله ی "ایون" بنابر گفته ی سقراط مایه ی اصلی شاعری را الهام می داند و می گوید: «شاعران وقتی اشعار زیبایشان را می سرایند در حال بی خودی هستند. آهنگ و وزن ایشان را مفتون و مسحور می کند...» (خانلری، ۱۳۷۳: ۱۳).

ارسطو پس از افلاطون رساله ای در باب شاعری تألیف کرده و شعر را در مقابل نثر قرار می دهد و از شعر سخن موزون را اراده می نماید. (ارسطو، ۱۳۳۷: ۲۴)

خواجه نصیر الدین طوسی در *اساس الاقتباس* می گوید: «قدما شعر، کلام مخیل را گفته اند و اگر چه موزون حقیقی نبوده است و اشعار یونانیان بعضی چنان بوده است و در دیگر لغات قدیم مانند عربی، سریانی و فرس هم وزن حقیقی اعتبار نکرده اند» (خانلری، ۱۳۷۳: ۱۶).

قول معتبر دیگری شعر را این گونه تعریف می کند: «شعر در اصل لغت، دانش است و ادراک معانی به حدس صائب و اندیشه و استدلال است و از روی اصطلاح سخنی است اندیشیده، مرتب، معنوی، موزون، متکرر، متساوی، حروف آخرین به یکدیگر مانده و در این حد گفته اند سخن مرتب معنوی تا فرق باشد میان شعر و هذیان و کلام نامرتب بی معنی و گفته اند موزون تا فرق

باشد میان بیتی دو مصراعین و میان نیم بیت که اقل شعر بیتی تمام باشد» (شمس قیس رازی، ۱۳۶۰:۱۹۶).

فراوانی جلوه های ذاتی شعر سبب گردیده هر کس از شعر تعریف متفاوتی ارائه دهد. با این همه «شعر رستاخیز کلمات است. حادثه ای است که در زبان رخ می دهد و با پس و پیش کردن کلمات که روزی مرده و اعتیادی بوده اند، این مردگان زندگی می یابند» (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۸:۱۳).

خانلری در کتاب شعر و هنر خود شعر را مجموعه ای از اصوات می داند و در جایی دیگر معتقد است: «شعر از بدو پیدایش و نزد همه ی اقوام با وزن ملازمه داشته و دارد. سخن ناموزون در هیچ زبانی شعر خوانده نمی شود، با این تفاوت که اعتبار وزن همیشه و نزد همه ی ملل یکسان نیست» (خانلری، ۱۳۲۷:۶).

دکتر وحیدیان کامیار از دیدگاه زیبا شناسی که عنصر اصلی شعر است، در تعریفی بدیع و متفاوت می گوید: شعر «زیبایی آفرینی با زبان و گره خوردگی عاطفه و تخیل است» (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۵: ۲).

در میان نوشته های گذشتگان، بهترین تعریف شعر، نظر خواجه نصیر الدین طوسی، دانشمند قرن هفتم هجری است. وی در آغاز رساله ی معیار الاشعار می نویسد: «شعر به نزدیک منطقیان کلام مخیل موزون باشد و در عرف جمهور کلام موزون، اما کلام لفظی باشد مؤلف از حروف، که بر حسب وضع بر مبنای مقصود دال باشد و شعری بی الفاظ تصوّر نتوان کرد و اگر کسی به تکلف فعلی غیر ملفوظ را مانند حرکتی به دست و پا یا چشم مثلا جزوی از اجزای شعری گرداند، حکم آن فعل حکم الفاظ باشد، از آن جهت که مشتمل باشد بر حدوث صوتی یا خیال صوتی دال بر مرادی... پس به قول یونانیون از فصول شعر باشد و قبول این جماعت از اغراض و به مثبت غایت است» (خواجه نصیر، ۱۳۶۳: ۳).

نکته ای که این تعریف را از سایر تعاریف متمایز می کند، جامع بودن تعریف شعر است. دو اصطلاح موزون و مخیل محدوده ی وسیع تری از مفهوم شعر را در بر می گیرد. همان طور که می دانیم شعر سنتی موزون است و فرق نثر و شعر را خیال انگیز بودن کلام می داند. بنابر این شعر سپید و بی وزن را هم در بر می گیرد. نکته ی قابل توجه دیگر این است که این تعریف به نقش حروف در ساخت شعر اشاره می کند، همان چیزی که ما آن را تحت عنوان موسیقی شعر مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۲- وزن چیست؟

هر عاطفه و احساس که در قالب زبان شعر ظهور یابد با وزن مناسب و هماهنگی می تواند تأثیرگذار باشد و القای معنی کند.

خواجه نصیر طوسی در معیار الاشعار آورده است «وزن هیأتی است تابع نظام ترتیب حرکات و سکانات و تناسب آن در عدد و مقدار که نفس از ادراک آن هیأت، لذتی مخصوص یابد» (خواجه نصیر طوسی، ۱۳۶۳: ۳).

نویسنده ی کتاب تحقیق/انتقادی در عروض فارسی بیشتر به شکل عروضی وزن توجه دارد و معتقد است «وزن شعر عبارت است از تقسیم هجاهای مختلف به دسته هایی که یا متساوی و متشابه باشند یا در عدم تساوی و تشابه آن ها نظم و قرینه ای وجود داشته باشد» (خانلری، ۱۳۲۷: ۱۱).

زرین کوب تعریف گسترده تری از وزن بیان می کند که شعر نیمایی را نیز در بر می گیرد. او وزن را جزء لاینفک شعر می داند و معتقد است «در شعر اگر بتوان از قافیه صرف نظر کرد، ظاهراً از وزن نمی توان. وزن که عبارت است از وجود نوعی نظم در اصوات کلام، به سبب خیال انگیزی که دارد حتی نزد منطقی ها هم جزو ماهیت شعر است» (زرین کوب، ۱۳۵۶: ۹۴). در این تعریف، وزن نوعی نظم در اصوات تعریف شده است. تناسبی که حاصل از تلفظ کلمات است. بنا بر این تعریف در فصل موسیقی بیرونی، مبحثی تحت عنوان نظم یا وزن شنیداری، داریم که در آن مفصلاً به تناسب و نظم اصوات پرداخته ایم.

همه آنچه گفته شد ما را به میزان اهمیت وزن شعر یا شعر وزن دار در میان اشعار پارسی رهنمون می شود، آن گونه که ضرورت وزن را نمی توان انکار کرد و در باب اهمیت وزن همین بس که در تعریف شعر گفته اند: "سخن موزون خیال انگیز".

دکتر شفیع کدکنی وزن را اولین عامل تناسب در زنجیره ی آوایی می داند؛ عاملی که خود سبب ایجاد موسیقی می گردد. «وقتی مجموعه ی مورد بحث ما به لحاظ کوتاهی و بلندی مصوت ها و یا ترکیب صامت ها و مصوت ها از نظام خاصی بر خوردار باشند، نوعی موسیقی به وجود می آید که آن را وزن می نامیم» (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۸: ۱۶). وزن در شعر اولین گزینه ای است که توسط ذوق انسان ادراک می شود. انتخاب وزن مناسب گذشته از آن که بر خواننده و شنونده اثر می گذارد در سراینده و شاعر نیز مؤثر است. احساس وزن امری حسی و تجربی است. موریس گرامون *moris gramun* در این زمینه معتقد است: «وزن ادراکی است، که از احساس نظمی در بازگشت زمان های مشخص، حاصل می شود. وزن امری حسی است و بیرون از ذهن که آن را در می یابد، وجود ندارد. وسیله ادراک وزن حواس ماست (خانلری، ۱۳۷۳: ۲۳).

کتاب پیوند شعر و موسیقی وزن شعر امروز را به چند گروه تقسیم می کند از جمله: «۱-وزن عروضی: همان وزن های شعر سنتی، ۲-وزن آزاد: این وزن بنا به اراده ی شاعر کوتاه و بلند می شود. در حقیقت آفریننده ی شعر آزاد است که به هر صورت که اراده می کند از وزن اراده شده بکاهد یا بر آن بیفزاید. ۳- وزن پوشیده: که در آن شاعر به هیچ وجه قصد ساختن اثری موزون را نداشته است. ناخودآگاه وزنی در شعر نهفته است که به سهولت احساس نمی شود. در این گونه اشعار به دنبال وزن گشتن کاری عبث و بیهوده است. گوش آشنا به موسیقی، علاوه بر موسیقی کلام، وزنی را نیز احساس می کند. ۴-وزن عرضی: در شعر منثور یا نثر شعر گونه دیده می شود» (ملّاح، ۱۳۶۷: ۵۹).

در پایان این بخش، کلام خود را با آوردن قطعه ای بی وزن، در عین حال وزین از حسین منزوی در باب وزن، مزین می کنیم.

وزن

چه وزنی دارد شب

از پا نمی نشینم

تا مصراعی از سکوت و

مصراعی از هیاهو نگیرم و

در غریب ترین بحری که

آسمان و زمین

به یاد دارند

بازش نسرایم

گذر کند شبانه شهرپور آیا

برای شعرم وزن مناسبی است

یا ضربان تند دندان هایی که

از شدت سرما

به هم می خورند

(منزوی، ۱۳۸۵: ۷۰)

۳- موسیقی شعر

موسیقی پدیده ای ذاتی و فطری در وجود آدمی است. با این وجود هیچ ملتی از آن بی بهره نیست. بشر از دیر باز به زمزمه و نجوای آهنگ های بدون تفکر و تأمل در خلوت خود می پرداخته است؛ نجوایی که ذاتی اند و از حالات و غم و اندوه درونی او حکایت دارد.

همراهی کلمه و آهنگ موسیقی شعر را می سازد. می دانیم که موسیقی شعر یکی از عوامل تأثیر گذار در شعر است که به خواننده در جهت درک بیشتر مفهوم کمک می کند یا بر عکس او را از مفهوم اصلی دور می گرداند. قالب های موسیقی انسان را ناخودآگاه به سوی شوق و طرب و یا اندوه و غم می کشاند، آن گونه که الفاظ و تعبیر به تنهایی نمی توانند این کار را بکنند (عزّ الدین امین، ۱۳۹۱ ق. : ۷۵). در واقع آن چه انسان را به سوی موسیقی می کشاند، همان جذبه و کششی است که او را به سوی سرودن شعر و لذت بردن از آن رهنمون می سازد. از این مطلب به رابطه ی شعر و موسیقی پی می بریم. شعر در واقع همان موسیقی الفاظ و کلمه هاست و غنا نیز موسیقی الحان و لذت از آهنگ کلمات است. حکمای یونان بر این باورند که «منشأ پیدایش شعر تقلید و لذت حاصل از تعلّم و دانش آموزی است» (ارسطو، ۱۳۳۷: ۲۵).

به طور کلی، آن چه به شعر، تشخّص و شعریت می بخشد نظام موسیقایی زبان است. مجموعه عواملی که زبان شعر را از زبان روزمره، به اعتبار بخشیدن آهنگ و توازن، امتیاز می بخشد و در حقیقت از رهگذر نظام موسیقایی، سبب رستاخیز کلمه ها و تشخّص واژه ها در زبان می-شوند، می توان گروه موسیقایی نامید و این گروه موسیقایی خود عوامل شناخته شده و قابل تحلیل و تعلیلی دارد از قبیل وزن، قافیه، ردیف، جناس و... (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۸: ۱۵).

موسیقی شعر این امکان را به شاعر می دهد که با بهره گیری از انواع فنون و آرایه های ادبی آهنگ لازم را به شعر خود اهدا کند؛ آهنگی که سبب غنای موسیقی و تأثیر شعر گردد. «موسیقی را می توان تشبیه کرد به زبانی که مقاصد خود را به عوض کلمات به وسیله ی اصوات بیان می کند. چنان که در شعر اوزان مختلف هست در موسیقی هم ممکن است جمله ها کوتاه و بلند باشند» (خالقی، ۱۳۷۰: ۱۳۵).

اگر باور کنیم شعر کلامی جادویی است که بیشتر از هر سخن دیگری تأثیر گذار و ماندگار است، باید این پایه اهمّیت و قدر را علاوه بر معنا و وزن در جای دیگری از کلام نیز جستجو کنیم و آن چیزی جز زیبایی و موسیقی کلام نیست.

موسیقی شعر انواعی دارد که در زیر به تعریف آن می پردازیم.

موسیقی بیرونی

منظور از موسیقی بیرونی شعر، که باعث ایجاد آهنگ و موسیقی کلام و زیبایی آن گردیده وزن عروضی است که در زبان فارسی بر اساس کمیّت هجاهاست، همان چیزی که ما با خواندن اشعار گوناگونی که جان و روان آدمی را نوازش می دهد، احساس لذّت می کنیم. وزن به شعر زیبایی می بخشد و آن را شورانگیز می کند. پس علاوه بر معنا و موسیقی، آهنگی در شعر وجود دارد که همان وزن است و ما آن را به عنوان موسیقی بیرونی می شناسیم.

دکتر شفیع کدکنی نیز می نویسد: «منظور از موسیقی بیرونی شعر، جانب عروضی وزن شعر است که بر همه ی شعرهایی که بر یک وزن سروده شده اند، قابل تطبیق است» (شفیعی کدکنی: ۱۳۸۵، ۳۹۱).

موسیقی کناری

موسیقی کناری، یکی از عوامل تاثیر گذار در نظام موسیقایی شعر است. جای آن مشخص است و در سراسر بیت یا مصراع قابل مشاهده نیست. در موسیقی کناری همان طور که از نامش پیداست در کناره های بیت یا مصراع به دنبال ریتم و آهنگ هستیم و بر خلاف موسیقی بیرونی تمام بیت را در بر نمی گیرد. «جلوه های موسیقی کناری بسیار است و آشکارترین نمونه ی آن قافیه و ردیف است» (همان، ۳۹۱).

ردیف در موسیقی کناری نقش بسزایی دارد، ردیف از دیدگاه موسیقی شناس، تقویت کننده اثر لحن در یک قطعه شعر است «ردیف در حقیقت برای تکمیل قافیه به کار می رود و به طور قطع می توان ادعا کرد که حدود ۸۰٪ غزلیات خوب زبان فارسی، دارای ردیف هستند و اصولاً غزل بی ردیف به دشواری موفق می شود و اگر غزلی بدون ردیف زیبایی و لطفی داشته، کاملاً جنبه ی استثنایی دارد» (همو، ۱۱۱). ردیف به شعر زیبایی خاصی می بخشد و تکمیل کننده موسیقی شعر است به شرطی که شاعر را در قید خود محدود نکند.

موسیقی میانی

در این رساله، منظور ما از موسیقی میانی آهنگ و موسیقی حاصل آمده از صورت و معنای شعر است. نظامی که به کمک تناسب و تکرار و تقارن و حتی تضاد آهنگ آفرینی می کند. می دانیم که غالباً موسیقی درونی، از ارتباط الفاظ سخن می گوید. دکتر شفیع کدکنی موسیقی میانی را به طور مجزاً به دو نوع موسیقی درونی و معنوی تقسیم کرده و در باب موسیقی درونی معتقد است: «از آن جا که مدار موسیقی (به معنای عام کلمه) بر تنوع و تکرار استوار است، هر کدام از جلوه های تنوع تکرار، در نظام آواها، که از مقوله ی موسیقی بیرونی (عروضی) و کناری (قافیه) نباشد در حوزه ی مفهومی این نوع موسیقی قرار می گیرد. یعنی مجموعه ی

هماهنگی‌هایی که از رهگذر وحدت یا تشابه یا تضاد صامت‌ها و مصوت‌ها در کلمات یک شعر پدید می‌آید، جلوه‌های این موسیقی است و اگر بخواهیم از انواع شناخته شده‌ی آن نام ببریم، انواع جناس‌ها را باید یاد آور باشیم. و نیز باید گفت که این قلمرو موسیقی شعر، مهمترین قلمرو و موسیقی است و استواری و انسجام و مبانی جمال شناسی بسیاری از شاهکارهای ادبی، در همین نوع از موسیقی نهفته است» (همو، ۳۹۲).

همان طور که گفتیم، گفتار ما مجموعه‌ای از عناصر آوایی و صوتی است. این مجموعه آوایی و صوتی با هم تناسب دارند و سبب آهنگین شدن کلام می‌گردند و هرچه توازن و تناسب بیشتر باشد، جنبه‌ی درونی و موسیقی کلام قوی‌تر و استوارتر می‌گردد. یکی از راه‌های موثر برای قوی کردن موسیقی کلام، تکرار است، چون در قالب این آرایه، کلام زیباتر و دلنشین‌تر می‌شود. وقتی خوب می‌نگریم، متوجه می‌شویم که در آرایه‌های دیگر هم می‌توان تکرار را حس کرد، اما به صورتی دیگر. مثلاً جناس تام خود نوعی تکرار است یا جناس لفظ و یا حتی سجع. چون آن آهنگ و تناسبی که میان این‌ها وجود دارد نوعی موسیقی و زیبایی ایجاد می‌کند. در قالب یک تقسیم بندی ابداعی در بخش موسیقی میانی به آن به طور مفصل پرداخته ایم.

بنابر این یکی دیگر از عوامل موسیقی در کلام، موسیقی درونی است که در شعر از وزن و نظم گسترده تر است. دکتر شفیع در تعریف این نوع موسیقی می‌گوید: «موسیقی درونی عبارت است از هماهنگی و نسبت ترکیبی کلمات و طنین خاص هر حرفی در مجاورت با حروف دیگر» (همو، ۵۱).

در مورد موسیقی معنوی باید گفت موسیقی معنوی در شعر عبارت است از این که میان واژه‌ها از نظر معنایی تناسب وجود داشته باشد. این تناسب به تکامل موسیقی می‌انجامد. موسیقی معنوی باید حاصل فوران احساس باشد و همراه احساس پدید آید. همان ارتباط و تناسبی که در عمق واژه‌ها نهفته است و به امور معنایی و ذهنی مربوط می‌شود. دکتر شوقی ضیف در کتاب *الفن و مذاهبه فی الشعر العربی* به بررسی تأثیر موسیقی بر شعر عرب در دوره‌های متفاوت تاریخی پرداخته است. وی معتقد است: موسیقی میانی در زوایای پنهان اصوات نهفته است و ضبط و ثبت آن‌ها امکان ندارد. (شوقی ضیف، ۱۱۱۹: ۷۸) موسیقی میانی در شعر وسیع تر از وزن و عروض و قافیه است و به طور کلی جنبه‌های وسیع تری از شعر را در بر می‌گیرد و به دلیل آمیختگی با واژه‌های درونی بیت، از موسیقی بیرونی و کناری زیبا تر و تأثیر گذار تر است.

فصل دوم

آشنایی با حسین منزوی